

سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آموزشی در ایران با تأکید بر برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

دکتر رضا نوروززاده*

جواد مقدسی**

چکیده

امروزه وجود برنامه و برنامه‌ریزی در بخش‌های مختلف از جمله بخش آموزش برای پیشرفت و توسعه کشور امری ضروری است؛ زیرا فقط با تدوین و اجرای برنامه‌های خردمندانانه می‌توان بر نابسامانی‌ها پایان داد و وضع زندگی مادی و معنوی خویش را بهبود بخشید. برنامه‌های توسعه فرصتی را برای رهبران و مدیران بخش‌های مخلف فراهم می‌کند تا آنها افق دور را نگاه کنند و بر اساس آن، بینش‌ها و رهنمودهای جدید را در تدوین اهداف و برنامه‌ها لحاظ کرده و نقشه‌ای را برای آینده فراهم کنند. کشور ما با داشتن نیم قرن تجربه برنامه‌ریزی روزمره پرسابقه‌ترین کشورها در زمینه برنامه‌ریزی است و در حال حاضر در کنار برنامه‌های پنج ساله توسعه، چشم‌انداز بیست ساله کشور نیز ترسیم شده، به طوری که برنامه چهارم توسعه که از سال 1384 اجرایی شد مبتنی بر اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله است. در این مقاله سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی در برنامه‌های توسعه قبل و بعد از انقلاب با تأکید بر برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری برنامه‌ریزی آموزشی، برنامه‌های توسعه، آموزش عالی، آموزش

و پرورش

* عضو هیئت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (مسئول مکاتبات: rezanorouzzadeh@yahoo.com)

** دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد گرمسار

مقدمه

اولین کشوری که به برنامه‌ریزی آموزشی اقدام کرد، کشور شوروی سابق بود که در سال 1923 اولین برنامه‌ریزی آموزشی نظام‌مند، همراه با برنامه‌ریزی اقتصادی را به صورت متمرکز آغاز کرد و کشورهای غربی نیز با درک بحران اقتصادی دهه 1930 به برنامه‌ریزی اقتصادی از نوع ارشادی ترغیبی روی آوردند بعد از جنگ جهانی دوم و اهمیت یافتن برنامه‌ریزی آموزشی و آموزش و پرورش، سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) اولین سازمانی بود که در سال 1946 با 20 عضو تأسیس شد. مقدمات برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران از اوایل سال 1325 شروع شد و اولین قانون توسعه اقتصادی کشور با نام برنامه هفت ساله عمرانی کشور در بهمن ماه 1327 از تصویب مجلس شورای ملی گذشت. از آن تاریخ پنج دوره برنامه‌ریزی تا قبل از استقرار جمهوری اسلامی به اجرا در آمد و پس از انقلاب نیز چهار دوره برنامه‌ریزی در کشور اجراء شد و سال 1383 سال پایانی برنامه پنج ساله توسعه سوم بود و از سال 1384 چهارمین برنامه کشور در راستای چشم‌انداز بیست ساله شروع شده و در حال اجرا است (محسن‌پور، 1386).

در دنیای امروز که شاهد تغییر و تحولات شگرف در زمینه‌های مختلف هستیم، محیط با تلاطم و عدم اطمینان بسیاری مواجه است و رقابت شدت زیادی پیدا کرده است. سیستم‌های سازمانی در راستای کسب موفقیت در میدان رقابت باید از نوعی برنامه‌ریزی بهره گیرند که آینده‌نگر و محیط‌گرا باشد به طوری که ضمن شناسایی عوامل و تحولات محیطی، در یک افق زمانی بلندمدت تأثیر آنها را بر سازمان و نحوه تعامل سازمان با آنها را مشخص کند. این نوع برنامه‌ریزی در واقع همان برنامه‌ریزی راهبردی است که با بررسی محیط خارجی و داخلی سازمان، فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی و قوت‌ها و ضعف‌های داخلی را شناسایی می‌کند و با در نظر داشتن مأموریت سازمان، اهداف بلندمدت برای سازمان تنظیم می‌کند و برای دستیابی به این اهداف، از بین گزینه‌های راهبردی اقدام به انتخاب راهبردهایی می‌کند که با تکیه بر قوت‌ها و رفع ضعف‌ها، از فرصت‌های پیش آمده به نحو شایسته استفاده کرده و از تهدیدها پرهیز کند تا در صورت اجرای صحیح باعث موفقیت سازمان در میدان رقابت شود.

تاریخچه برنامه‌ریزی در جهان

برنامه‌ریزی به مفهوم تصویرکشیدن آینده و تصمیم و تدبیر برای زندگی آینده فرایندی است که همواره با اجتماعات انسانی همراه بوده است و نمونه‌هایی از آن را در زمینه‌های آموزش و پرورش طبقه اشراف اروپا، مدینه فاضله افلاطون، تعالی اندیشمندان و عالمان دینی، مذهبی و غیر مذهبی برای ایجاد جامعه ایده‌آل انسانی، می‌توان مشاهده کرد. ولی برنامه‌ریزی به شکل امروزی بعد از جنگ جهانی اول شکل گرفت. اولین کشوری که به برنامه‌ریزی آموزشی اقدام کرد، کشور شوروی سابق بود که در سال 1923 اولین برنامه‌ریزی آموزشی نظام‌مند، همراه با برنامه‌ریزی اقتصادی را به صورت متمرکز آغاز کرد و کشورهای غربی نیز با درک بحران اقتصادی دهه 1930 به برنامه‌ریزی اقتصادی از نوع ارشادی ترغیبی روی آوردند (سایت ملت، 1383).

جنگ جهانی دوم و عواقب بعد از جنگ بود که مسائل بحرانی ناشی از آشفتگی‌های اقتصادی اجتماعی را سبب شد و باعث شد تا برنامه‌ریزی به طور جدی مورد توجه قرار گیرد و به خصوص برنامه‌ریزی آموزشی همراه با برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی مطرح شد (همان منبع، 1383).

کشورهای جهان سوم نیز بعد از جنگ جهانی دوم به برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی متوسل شدند و به برنامه‌ریزی‌های گوناگون پرداخته و در عمل، کمبود منابع انسانی به عنوان یکی از تنگناهای اساسی توجه برنامه‌ریزان و سیاستگذاران را به خود جلب کرد، بنابراین، برنامه‌ریزی آموزشی اهمیت پیدا کرد.

بعد از اهمیت یافتن برنامه‌ریزی آموزشی و آموزش و پرورش، سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) اولین سازمانی بود که در سال 1946 با 20 عضو تأسیس شد و در سال 1963 مؤسسه بین‌المللی برنامه‌ریزی آموزشی را در پاریس تأسیس کرد که از آن سال اقدام به تربیت کارشناسان آموزشی در زمینه‌های برنامه‌ریزی آموزشی، مدیریت آموزشی و تحقیقات آموزشی می‌کند و در دفاتر منطقه‌ای یونسکو در چهار منطقه جهان یعنی آسیا و اقیانوسیه (بانکوک) آفریقا (داکار) امریکای لاتین (سانتیاگو) و ممالک عربی (بیروت) اقداماتی در زمینه برنامه‌ریزی درسی انجام می‌دهند. یونسکو برای پیشبرد آموزش و پرورش، حداقل هر دو سال یک بار کنفرانسی در یکی از کشورهای جهان تشکیل می‌دهد و در تمام این کنفرانس‌ها به برنامه‌ریزی آموزشی اهمیت داده می‌شود (سایت ملت، 1383).

برنامه‌ریزی آموزشی در ایران

برنامه‌ریزی در ایران، همزمان با آغاز برنامه‌ریزی در بسیاری از کشورها، در دوره بعد از جنگ جهانی دوم آغاز شد. یعنی زمانی که مصائب اشغال کشور از سوی نیروهای بیگانه امر توجه به بازسازی حیات اقتصادی - اجتماعی کشور برای سامان بخشیدن به جامعه آشوب‌زده آن زمان را لازم می‌ساخت. ایران در دوره قبل از انقلاب اسلامی، پنج برنامه به شرح ذیل تجربه کرد:

سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آموزشی در طی برنامه اول عمرانی ایران (1328-1334)

در سال 1327 که اولین برنامه‌ریزی عمرانی ملی در ایران تدوین و اجرا شد، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آموزشی، بخشی از برنامه‌ریزی عمران و توسعه کل کشور به حساب آمده است در همین دوران شورای عالی فرهنگ با همکاری صاحب‌نظران تعلیم و تربیت مهم‌ترین هدف‌ها و سیاست‌های آموزش و پرورش (هدف‌های آموزش و پرورش ابتدایی و هدف‌های آموزش متوسطه) را تعیین کردند (نفیسی، 1369). در برنامه عمرانی اول کشور مصوب 1327، اشاره‌ای به برنامه‌ریزی آموزشی نشده بود. همزمانی این برنامه با نهضت ملی شدن نفت و کودتای 1332 باعث شد که این برنامه به طور ناقص اجرا شود. (سایت، irphe).

سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آموزشی در طی برنامه دوم عمرانی ایران (1341-1335)

در برنامه دوم عمرانی ایران ضمن توجه به سیاستگذاری‌های انجام‌شده در برنامه اول، شورای عالی آموزش و پرورش، اهداف دوره اول و دوم متوسطه را تصویب کرد. ساختار نظام آموزش و پرورش هم شامل آموزش ابتدایی 6 سال، آموزش متوسطه نظری و آموزش حرفه‌ای (دوره یا سیکل اول) 3 سال و آموزش متوسطه نظری و آموزش فنی و حرفه‌ای (دوره یا سیکل دوم) 3 سال گشت. همچنین سازمان برنامه با همکاری وزارت فرهنگ طرح‌هایی را برای آموزش و پرورش تنظیم کرد و اعتباراتی برای اجرای آن در نظر گرفت (نفیسی، 1369).

در این برنامه طرح‌هایی برای توسعه آموزش و پرورش ارائه شد. اولویت‌های این برنامه به ترتیب به تأمین ساختمان مدارس (به خصوص در شهرها)، عملیات فرهنگی، اعزام محصل به خارج از کشور، تأمین تجهیزات و وسایل و چاپ کتاب اختصاص یافت. در این برنامه فقط آموزش فنی حرفه‌ای از توجه ویژه‌ای برخوردار شد. در واقع، برنامه‌های هفت ساله اول و دوم کلی‌تر از آن تدوین شده بودند که بتوان ردپای برنامه‌ریزی آموزشی را در آنها دید (مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی، 1354: 1).

در نتیجه، می‌توان گفت که برنامه‌های مذکور - اول و دوم - (41-1328) نیز که نخستین کوشش‌های برنامه‌ریزی در تاریخ ایران محسوب می‌شود، موفق نبوده است.

سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آموزشی در طی برنامه سوم عمرانی ایران (1341-1346)
در سال 1343 طرح مقدماتی اصلاح نظام آموزش و پرورش از سوی وزارت آموزش و پرورش اعلام شد. در برنامه‌ریزی جدید آموزش و پرورش هدف‌های جدیدی تنظیم شد که هریک از آنها جنبه معینی از نیازهای زندگی را پاسخ می‌دهد (نفیسی، 1369).

در برنامه عمرانی سوم، برای نخستین بار تهیه امکانات تحصیلات ابتدایی برای 60 درصد کودکان واجب‌التعلیم، افزایش وسایل و امکانات تحصیل در دوره متوسطه و تقدم بهبود کیفیت بر توسعه کمیت در مورد تعلیمات عالی برای تحقق هدف‌های برنامه پیش‌بینی شده بود (سازمان برنامه و بودجه، بی‌تا).

در سال‌های پایانی برنامه سوم، دانشگاه‌های صنعتی شریف (آریامهر) و امیرکبیر (پلی تکنیک) تأسیس شدند. بدین ترتیب، تعداد دانشجویان که در آغاز برنامه 24500 نفر بود، در پایان برنامه به 42000 نفر رسید. در سال 1346 قانون تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی به تصویب مجالس وقت رسید و این وزارتخانه مسئول برنامه‌ریزی آموزشی در کلیه سطوح آموزش عالی شد. قبل از تصویب این قانون، وزارت آموزش و پرورش و سازمان برنامه مسئول طراحی برنامه‌های آموزشی کشور بودند (سایت irphe).

سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آموزشی در طی برنامه چهارم عمرانی ایران (1351-1347)
در این برنامه توسعه سریع آموزش و پرورش، ایجاد تناسب بیشتر و تعادل بین سطوح و اجزاء، بهبود کیفیت، برقرار کردن تطابق میان نظام آموزشی و احتیاجات متنوع و رو به افزایش نیروی انسانی نیز پیش‌بینی شده بود (سازمان برنامه و بودجه، 1347: 238). هدف کلی این برنامه برای آموزش عالی کشور، گسترش ظرفیت دانشگاه‌های کشور و بنیادگذاری دانشگاه‌های جدید به گونه‌ای بوده است که با افزایش میزان پذیرش دانشجویان از نرخ اعزام جوانان برای تحصیلات به خارج از کشور بکاهد و سرانجام کار به جایی برسد که دانشجویان ایرانی، جز برای دیدن دوره‌های ویژه و بسیار تخصصی، به دانشگاه‌های بیگانه روی نیاورند (سایت irphe).

در سال 1348 شورای آموزش کشور جهت کمک‌رسانی به اجرای برنامه‌های وزارت علوم و آموزش عالی ایجاد شد.

از نظر کمی در پایان برنامه سوم و آغاز برنامه چهارم، شمار دانشجویان در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور به استثنای مدارس عالی ویژه وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی، 37500 نفر برآورد شد و با در نظر گرفتن این رقم، پیش‌بینی شد که در پایان اجرای برنامه چهارم، شمار کل دانشجویان کشور نزدیک به 60000 نفر خواهد بود. اما در عمل، هنوز دو سال از اجرای برنامه چهارم نگذشته بود که شمار دانشجویان کشور به رقم پیش‌بینی شده، یعنی به مرز 60000 نفر رسید. از این رو، در آغاز سومین سال اجرای برنامه، در هدف کمی پیشین تجدید نظر شد و پیش‌بینی شد که تا پایان اجرای برنامه، شمار دانشجویان کشور به 90000 نفر خواهد رسید. اما بار دیگر، کارکرد برنامه در این زمینه از پیش‌بینی‌ها فراتر رفت. بدین معنی که در آخرین سال‌های اجرای برنامه چهارم یعنی در سال تحصیلی 52-1351، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور روی هم رفته 115311 نفر دانشجو داشتند. آنچه که مبرهن است این است که این افزایش ناشی از گسترش سریع شمار دانش‌آموختگان دوره متوسطه نظری بوده است (سایت irphe).

بررسی عملکرد برنامه‌های سوم و چهارم عمرانی نشانگر این واقعیت است که در بسیاری از موارد «واقعیت‌های انجام یافته» با «هدف‌های پیش‌بینی شده» برنامه‌ها همخوانی نداشته است دوره عملکرد برنامه چهارم را می‌توان دوران گسترش سریع کمی آموزش عالی در همه سطوح به ویژه در دوره عالی دانست. اما این گسترش کمی غالباً با تأمین عناصر مورد نیاز و اتخاذ سیاست‌های لازم برای حفظ یا ارتقای کیفیت آموزش همراه نبوده است (مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی، 1350: 36).

در طول این 4 مرحله، یعنی از شروع تهیه برنامه اول هفت ساله عمرانی در سال 1328 و تا پایان برنامه پنجساله چهارم عمرانی (1351) نظام برنامه‌ریزی و سیاستگذاری توسعه آموزش و پرورش به صورت متمرکز صورت پذیرفت. مشخصه اصلی این مرحله، تمرکز نسبی کلیه امور برنامه، اعم از طراحی، تلفیق، تصویب و اجراء برنامه در یک نهاد است که کم و بیش مستقل از دولت عمل کرد (نفیسی، 1371).

سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آموزشی در طی برنامه پنجم عمرانی ایران (1352-1356) سیاست‌های وضع شده در دوره چهارم از سوی موسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی وابسته به وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش پیگیری می‌شد. تعلیم کامل آموزش ابتدایی، ریشه‌کن ساختن بی‌سوادی در گروه‌های فعال جمعیت، توسعه سریع آموزش فنی و آموزش عالی به منظور تأمین نیروی انسانی ماهر مورد نیاز جامعه از دیگر سیاست‌های مورد نظر آموزش و پرورش بوده است (اندیشمند و همکاران، 1384: 98).

در این مرحله تشکیلات اجرایی دولت به تدریج در تهیه، بررسی، تلفیق و اجرای برنامه‌ها و سیاستگذاری‌ها نقش مهم‌تری بر عهده می‌گیرد و قوه مقننه در تصویب برنامه‌های کلان فعال‌تر برخورد می‌کند. این مرحله از سال‌های 1352 تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی را شامل می‌شود. خصوصیت این مرحله واگذاری اختیارات به نهادها و مراجع متعدد بود. جدا شدن آموزش عالی از وزارت آموزش و پرورش که در سال‌های پایانی مرحله اول به اجراء گذاشته شده بود، در این مرحله با وسعت یافتن استقلال عمل دانشگاه‌ها و ایجاد سازمان‌های آموزش و پرورش مستقل از وزارت آموزش و پرورش یا وزارت علوم و آموزش همانند سازمان کشاورزی صندوق کارآموزی، مؤسسات آموزش غیردولتی، بر تعدد دستگاه‌های هماهنگ‌کننده و سیاستگذار نیز افزوده شد. در زمینه برنامه‌ریزی منطقه‌ای آموزش و پرورش، چندان بهبود و تغییری در این دوره حاصل نشد، اما اجرای منطقه‌ای برنامه در اواخر این مرحله پایه‌گذاری شد. بدین ترتیب، روند کاهش تمرکز و امور مربوط به نظام برنامه‌ریزی در یک نهاد که در اواخر مرحله قبل آغاز شده بود در این مرحله شدت بیشتری یافت و به ایجاد فضاهای آموزشی، تلفیق و هماهنگی در امور آموزش و حتی نظارت بر امور آموزشی انجامید (نفیسی، 1371).

نقاط قوت و ضعف سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آموزشی طی برنامه‌های عمرانی اول تا پنجم عبارتند از: (فیوضات، 1380)

نقاط قوت

- تأکید بر اولویت توسعه آموزش و پرورش
- توجه به جامعیت و پیوستگی داخلی برنامه‌های آموزش و پرورش
- توجه به ملزومات اداری، اجرایی و زیربنایی آموزش و پرورش

- توجه به مشارکت و همکاری در خدمات آموزش و پرورش
- تمایل به برنامه‌ریزی بلند مدت
- توجه به ساخت آموزش و پرورش
- توجه به کیفیت آموزش و پرورش و نوآوری

نقاط ضعف

- ناهماهنگی و گسیختگی برنامه‌ریزی
 - کمبود اطلاعات و آمار
 - بی‌ثباتی دولت‌ها
 - وسعت احتیاجات و قلت منابع
 - جوانی جمعیت
 - بالا بودن هزینه سرانه آموزش و پرورش
 - شهرگرایی و حلقه مفقود ارزیابی و تحقیق در سیاستگذاری و برنامه‌های آموزشی
- سیاست‌های آموزشی در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (1372-1368) گسترش کمی و ارتقای کیفی فرهنگ عمومی، تعلیم و تربیت و علوم و فنون در جامعه با توجه خاص نسبت به نسل جوان از طریق:
- پرورش روحیه احترام به قانون، نظم‌پذیری، تعاون و کارگروهی، احترام به قداست و ارزش کار و فعالیت مولد، صرفه‌جویی، حفظ محیط زیست و منابع طبیعی، حفظ قداست خانواده و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و مشارکت در امور سیاسی واجتماعی.
 - ایجاد نهادی متمرکز برای امور سیاستگذاری و برنامه‌ریزی و عدم تمرکز در امور اجرایی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای.
 - مشارکت بیشتر زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزش و اقتصادی با حفظ شئون خانوادگی و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن. (اندیشمند و همکاران، 1384: 98)
- سیاست‌های آموزشی در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (1378-1374) سیاست‌های بخش آموزش و پرورش در جهت تحقق هدف توسعه مراکز آموزش از سوی بخش غیردولتی به گونه‌ای طراحی شده است که در پایان برنامه دوم هدف واگذاری حداقل 20 درصد از کل دانش‌آموزان به مراکز آموزش غیردولتی تحقق یابد.

به منظور اجرای سیاست عدم تمرکز و اداره واحدهای آموزشی و نظارت بر عملکرد مالی آنها شورای مناطق آموزشی در سطح شهرستان‌ها تشکیل خواهد شد. تسهیل در امر مدارس غیردولتی از طریق واگذاری زمین - اعطای تسهیلات اعتباری با پرداخت بخشی از سود تسهیلات از محل بودجه عمومی، فروش ساختمان‌های نیمه‌تمام آموزشی (با توجه به آزادی عمل این‌گونه مدارس در تعیین شهریه) اعمال شود. اولویت تخصیص اعتبارات بودجه عمومی به آموزش و پرورش به مناطق محروم و روستاها.

بازنگری در محتوای کتب درسی، حذف مواد درسی غیر ضروری در جهت کاهش تعداد مواد درسی و افزایش کیفیت آموزشی دروس اساسی. ایجاد تسهیلات لازم به منظور جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و سازمان‌های دولتی و غیردولتی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مرتبط با نظام آموزش متوسطه. (اندیشمند و همکاران، 1384: 99-98)

سیاست‌های آموزشی در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (1379-1383)

برخی از مهمترین سیاست‌های راهبردی آموزش و پرورش در برنامه سوم توسعه دولت به شرح ذیل ارائه شده است:

- ایجاد زمینه‌های لازم برای برخورداری از فرصت‌های برابر آموزشی و پرورشی و تعلیم آموزش عمومی به کلیه افراد لازم‌التعلیم.
- افزایش مشارکت مردم و تقویت بخش خصوصی در فعالیتهای آموزش و پرورش.

- اصلاح ساختارسازمانی و تشکیلاتی در بخش آموزش و پرورش در راستای کاهش تمرکز و افزایش اختیارات مدیران در سطوح مختلف. (همان منبع)
- وضعیت آموزش عالی در سند چشم‌انداز، سیاست‌های برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

سند چشم‌انداز، ایران آینده را در جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی تصویر کرده است. سیاست‌های کلی و مضامین دوازده‌گانه برنامه چهارم توسعه مواردی را همچون «بسترسازی برای رشد سریع اقتصادی»، «حفظ محیط زیست»، «ارتقای سلامت و بهبود کیفیت زندگی»، «توسعه فرهنگی»

«توسعه فضایی»، «توسعه مبتنی بر دانایی» را عنوان کرده است که تأمین همه موارد پیش گفته مبتنی بر توسعه دانایی است و توسعه دانایی از اهم وظایف، کارکردها و مأموریت‌های بخش آموزش عالی است. به بیان دیگر، می‌توان گفت که دستیابی به اهداف مذکور مستقیم و غیرمستقیم به عملکرد بخش آموزش عالی مربوط است که در وجه مستقیم تأمین‌کننده نیروی انسانی متخصص در همه زمینه‌ها و بخش‌های اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود. با این توضیح که بسترسازی برای رشد سریع اقتصادی، ارتقای سلامت و بهبود کیفیت زندگی و یا توسعه فرهنگی و توسعه فضایی جز در سایه وجود افرادی آگاه، دانش‌آموخته و آگاه به مسائل روز در عرصه‌های پیش گفته امکان‌پذیر نمی‌تواند باشد، بلکه در حد خود به عنوان شرط لازم حصول به نتیجه محسوب است و آنچه که این شرط را محقق می‌سازد، بسترسازی و فراهم آوردن زمینه اجرای برنامه است که باید به عنوان شرط کافی مورد توجه قرار گیرد (سایت irandoc).

نظر به اینکه ایجاد بستر و زمینه اجرای برنامه‌های توسعه یا به عبارت دیگر فرهنگ‌سازی در هر بخش به آموزش نیازمند است. بنابراین، بخش آموزش عالی ناگزیر باید به صورت غیرمستقیم ایفای نقش کند و زیرساخت‌های فرهنگی لازم را برای تحول در تمامی بخش‌ها فراهم سازد (سایت irandoc).

به این ترتیب، تکلیف بخش آموزش عالی در برنامه چهارم توسعه را می‌توان به این نحو خلاصه کرد که توسعه همه بخش‌ها در گرو توسعه دانایی است و توسعه دانایی نیز تکلیف بخش آموزش عالی است. به بیان دیگر، نگاه محوری برنامه چهارم توسعه بخش آموزش عالی مؤید این حقیقت است که توسعه آموزش عالی پیش‌شرط توسعه سایر بخش‌ها است (سایت irandoc).

سیاست‌های آموزشی در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (1388-1384)

به مدد مشارکت جمعی دانشگاهیان، مدیران، برنامه‌ریزان و پژوهشگران کشور فصل مستقلی از لایحه برنامه چهارم توسعه به «توسعه مبتنی بر دانایی» اختصاص یافته است.

اهداف آرمانی آموزش و پرورش و آموزش عالی در برنامه چهارم توسعه

الف) اهداف آرمانی آموزش و پرورش کشور

اهداف و جهت‌گیری‌های اساسی بخش آموزش و پرورش از چهار محور تشکیل شده است که عبارتند از:

- عدالت (فرصت‌های برابر یادگیری و دسترسی به آموزش و پرورش برای همه)
- کیفیت
- تقویت هویت دینی و ملی دانش‌آموزان
- مشارکت بخش‌های غیردولتی در امر آموزش و پرورش (سایت irandoc)

ب) اهداف آرمانی آموزش عالی کشور

اهداف آرمانی عبارتند از:

هدف اول: دستیابی به جامعه برخوردار از ویژگی دانش پیشرفته و توانا در تولید علم و فناوری با اهداف کیفی زیر:

- کارآمد کردن نظام آموزش عالی کشور
- توسعه منابع انسانی مورد نیاز در جهت تحقق اهداف چشم‌انداز
- توسعه دسترسی به آموزشی عالی
- کارآمد کردن نظام حمایت مالی از دانشگاهیان مبتنی بر دیدگاه عدالت

اجتماعی

هدف دوم: دستیابی به جایگاه اول علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی با اهداف کیفی زیر:

- حمایت ویژه از آموزش‌های مرتبط با فناوری‌های نو و پیشرفته
- حمایت از استعداد‌های فنی پژوهشی و تقویت روحیه کار و ابتکار و

کارآفرینی

- تقویت نهضت نرم‌افزاری و توسعه مرزهای دانش

هدف سوم: دستیابی به جامعه توسعه‌یافته متکی بر اصول اخلاقی، ارزش‌های اسلامی و هویت ملی با اهداف کیفی زیر:

- گسترش و تعمیق معرفت دینی، روحیه خودباوری، پویایی فکری و التزام

اجتماعی

- ارتقای بهداشت روانی و جسمانی دانشگاهیان (سایت irandoc)

اهداف کمی بخش آموزش عالی

■ اهداف کمی بخش آموزش عالی در برنامه چهارم به شکل شاخص هدف‌گذاری شده است. نگاهی به عملکرد این شاخص‌ها در سال اول برنامه یادشده و مقایسه آن با اهداف منظور شده نشان می‌دهد که سهم دانشجویان کاردانی به کل دانشجویان در حد 33 درصد بوده که این مقدار در حد یک درصد بیشتر از عملکرد سال 1383 است. براساس اهداف برنامه مقرر است، سهم دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی در طول برنامه چهارم در حدود 0/1 درصد افزایش یابد، افزایش تعداد دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی موجب تحقق این هدف کمی در سال اول برنامه شده است.

■ همچنین ثبات سهم دانشجویان بخش غیردولتی در طول برنامه چهارم در حد 45 درصد، یکی دیگر از شاخص‌های کمی برنامه یادشده است. در حالی که افزایش دانشجویان بخش غیردولتی در سال 1384 سبب افزایش سهم دانشجویان این بخش در حد 47 درصد کل دانشجویان شد. شاخص نسبت دانشجو به هیأت علمی برای دانشجویان روزانه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال 1383 برابر 18 نفر دانشجو در مقابل هر عضو هیأت علمی بوده است. مقدار کمی این شاخص در سال اول برنامه چهارم نیز برابر 18 نفر دانشجو در برابر هر عضو هیأت علمی است میزان این شاخص برای دانشجویان روزانه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که فاقد هدف در برنامه است، معادل 8 نفر دانشجو در مقابل هر عضو هیأت علمی است (سایت irandoc).

سیاست‌های آموزش و پرورش در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور

- ارتقای سطح علمی و تخصصی و افزایش انگیزه شغلی مدیران؛
- بهبود مدیریت آموزشی با رویکرد مدرسه‌محوری و تقویت نقش هیأت‌های امنا در اداره مدرسه؛
- افزایش سطح علمی و انگیزه شغلی معلمان و توسعه مهارت‌های حرفه‌ای آنان؛
- توسعه فعالیت‌های پژوهشی و همکاری با دانشگاه‌ها؛
- پژوهش‌مدار شدن تصمیم‌گیری‌های اصلی آموزش و پرورش در کلیه سطوح؛
- برنامه‌ریزی درسی متناسب با رویکرد دانش‌آموز پژوهنده و توسعه فناوری اطلاعات؛

- تقویت رویکرد تلفیق و توأم‌سازی فعالیت‌های آموزشی و پرورشی و افزایش مهارت‌های تربیتی معلمان؛
- ارتقای بهره‌وری منابع و افزایش سرمایه‌گذاری دولتی برای تأمین امکانات آموزشی و افزایش پوشش؛
- توسعه مشارکت مردم و تقویت حمایت از بخش‌های غیردولتی در آموزش و پرورش؛
- توسعه کمی و کیفی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و ایجاد انگیزه‌های لازم برای جذب و هدایت استعداد‌های مناسب و تأمین تسهیلات، ظرفیت و منابع لازم جهت ایجاد و جلب امکانات جامعه برای توسعه این قبیل آموزش‌ها؛
- توسعه و بهبود وضعیت آموزش و پرورش عمومی و دوره پیش‌دبستانی بر اساس سند برنامه ملی آموزش برای همه؛
- توسعه تربیت بدنی و ورزش و ارتقای سطح سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان با اولویت دختران و منابع انسانی؛
- توسعه و بهبود فضاهای آموزشی، پرورشی و آموزشی؛
- منعطف ساختن ساعات در برنامه‌های درسی برای ایجاد زمینه جهت تقویت و توسعه تربیت بدنی، مهارت‌های زندگی و برنامه‌های فرهنگی و هنری (سایت irandoc)؛

تهدیدها و محدودیت‌های توسعه بخش آموزش و پرورش

الف) تهدیدها

- جهانی شدن و تأثیر آن در تربیت بدنی و هویت ملی و نقش خانواده و پیدایش نیازهای مهارتی جدید شغلی و شهروندی مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات؛
- تولید فزاینده و خیره‌کننده علم در دنیا، کهنه شدن سریع دانش و عدم تغییر در محتوای آموزش و توانمندی معلمان متناسب با این تحولات؛
- گسترش امکانات ارتباطی در جامعه و تأثیرپذیری نامطلوب؛
- عدم نگرش سرمایه‌ای به آموزش منابع انسانی و آموزش و پرورش از طرف سازمان‌ها و مراجع سیاست‌گذار کشور و مبادی توزیع و تخصیص منابع؛
- عدم گسترش دامنه آموختن به حیطه‌های آموزش برای زیستن و آموزش برای همزیستی با دیگران؛

- مشارکتی بودن ماهیت تعلیم و تربیت و فقدان نظام برنامه‌ریزی متناسب این ویژگی؛
- عدم انعطاف در نظام برنامه‌ریزی آموزشی و درسی از جهت تأمین آموزش با کیفیت با تکیه بر نیازهای آینده و تفاوت‌های فردی، فرهنگی، منطقه‌ای و جنسیتی؛
- کاهش تدریجی انگیزه ادامه تحصیل در دوره‌های بالاتر به ویژه در میان پسران به سبب شرایط اقتصادی خاص در جامعه؛
- تأثیر منفی شیوه گزینش دانشجو در دانشگاه‌ها بر فرایند تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش؛
- عدم تناسب مهارت‌های حرفه‌ای و سطح تحصیلات معلمان با نیازهای شغلی آنان؛
- کاهش انگیزه لازم در معلمان برای خدمت مورد انتظار (سایت irandoc)؛

ب) محدودیت‌ها

- تأثیرپذیری آموزش و پرورش از قوانین، مصوبات و مقررات عمومی و عدم برخورداری از اختیارات کافی و مورد نیاز؛
- عدم تناسب ساختار بخش با اندازه آن، تمرکز بیش از حد در تصمیم‌گیری و فقدان اختیار کافی مدیران واحدهای آموزشی؛
- فقدان و یا ضعف آمایش سرزمین در الگوی توسعه کشور؛
- عدم نگرش نظام‌مند به منابع انسانی آموزش و پرورش به عنوان اصلی‌ترین زیرساخت توسعه کشور؛
- عدم توجه و همراهی لازم از سوی مراجع سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در زمینه رفع مشکلات معیشتی و رفاهی فرهنگیان؛
- محدودیت منابع برای پاسخ‌گویی به تقاضای اجتماعی به آموزش و پرورش با کیفیت مورد نظر؛
- نبود ظرفیت‌های کافی در بخش غیردولتی برای توسعه روش‌های مشارکتی؛
- نابرابری در دستیابی به فرصت‌های آموزشی؛
- عدم توجه لازم به دوره آمادگی به عنوان پایه و اساس آموزش در دوره‌های بالاتر؛

■ تأثیر فعل و انفعالات جمعیت دانش‌آموزی بر نیاز به سایر عوامل آموزشی و عدم تناسب منابع و امکانات موجود با این تغییرات (سایت irandoc)؛

فرصت‌ها و قابلیت‌های توسعه بخش آموزش و پرورش

الف) فرصت‌ها

- توجه به جنبه‌های علمی و پژوهشی و گرایش به مدیریت علمی در آموزش و پرورش؛
- رشد سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی (NGOها) و اقبال و حساسیت عامه مردم برای تعلیم و تربیت شایسته و بهینه فرزندان خود و پیشگامی آنان در کارهای خیر و اقدامات عام‌المنفعه؛
- خروج (بازنشستگی) قابل ملاحظه نیروی انسانی رسمی و پیمانی و امکان جایگزینی با نیروهای توانمندتر؛
- کاهش نوسانات تند و شدید در آمار لازم‌التعلیمان و جمعیت دانش‌آموزی؛
- توسعه تشکل‌های صنفی و انجمن‌های علمی معلمان و امکان بهره‌گیری مطلوب و مناسب از این ظرفیت‌ها برای آموزش و پرورش؛

ب) قابلیت‌ها

- پوشش تحصیلی نسبتاً کامل دوره ابتدایی؛
- توسعه سوادآموزی و کاهش جمعیت بی‌سواد کشور؛
- امکان فرهنگ‌سازی و تحقق اهداف و برنامه‌های فرهنگی از طریق آموزش و پرورش به عنوان گسترده‌ترین و مؤثرترین بستر ارتباطی با خانواده‌ها و نهادهای اجتماعی؛
- دسترسی به فناوری نسبتاً مناسب برای مبادله اطلاعات در فرایند آموزش؛
- برخورداری آموزش و پرورش از صدها مرکز آموزش عالی مصوب و دانشکده‌ها و دانشگاه مستقل قابل بهره‌برداری در زمینه ارتقای علمی منابع انسانی؛
- برخورداری آموزش و پرورش از نیروی انسانی با میانگین سطح تحصیلات نسبتاً مطلوب و واجد انگیزه برای ادامه تحصیل و ارتقای سطح تحصیلات (سایت irandoc)؛

محدودیت‌ها و تنگناهای توسعه بخش آموزش عالی

- ❑ ناکافی بودن سهم آموزش عالی از اعتبارات عمومی؛
- ❑ کافی نبودن امکانات نظام آموزش عالی برای حفظ و جذب نخبگان؛
- ❑ ناکافی بودن سرانه فضا، امکانات و منابع اطلاعات در دانشگاه‌ها؛
- ❑ کمبود اعضای هیأت علمی و الزام اشتغال بیش از حد آنان به تدریس؛
- ❑ نبود سازوکار مؤثر برای آموزش مداوم اعضای هیأت علمی؛
- ❑ نبود نظام جامع نظارت، ارزیابی و اعتبارگذاری در عرصه آموزش عالی؛
- ❑ کافی نبودن پویایی در نظام آموزش عالی برای پاسخگویی متناسب به نیازهای جامعه؛
- ❑ کم‌توجهی به پرورش مهارت‌ها، کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری در نظام آموزشی؛
- ❑ کافی نبودن ارتباطات دانشگاه‌ها با مؤسسه‌های تحقیقاتی؛
- ❑ ناکافی بودن پژوهش‌های مربوط به برنامه‌ریزی آموزشی کشور؛
- ❑ ناکافی بودن تسهیلات اعطایی برای توسعه آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی؛
- ❑ نارسایی قوانین و مقررات مرتبط با نظام آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی؛
- ❑ ناکافی بودن حمایت‌های مالی دولت و نامشخص بودن جایگاه آموزش‌های علمی - کاربردی؛
- ❑ ناکافی بودن مدرس و منابع ویژه نظام آموزشی علمی - کاربردی؛
- ❑ فقدان جهت‌گیری‌های مرتبط با آمایش سرزمین در برنامه‌ریزی‌های توسعه آموزش عالی
- ❑ فقدان زیرساخت‌های اطلاع‌رسانی و فناوری‌های نوین در شیوه‌های آموزشی (مانند آموزش الکترونیکی)
- ❑ ناکافی بودن نگرش مردم نسبت به مشارکت در آموزش عالی
- ❑ ضعف سیاست‌های کلان و الگوهای رفتار فرهنگی در سطح کشور
- ❑ ناچیز بودن سرانه فعالیت‌های فرهنگی دانشجویی
- ❑ روشن نبودن مفهوم فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها (سایت irandoc)

امکانات و قابلیت های توسعه آموزش عالی

- سلامت فضای فرهنگی نظام آموزش عالی و گرایش عمومی به سوی توسعه فرهنگ و معنویت؛
- وجود دانش‌آموختگان توانمند و علاقه‌مند به آموزش و پژوهش در داخل و خارج کشور؛
- وجود داوطلبان باهوش، مستعد، دارای خلاقیت و نوآوری؛
- اقبال جامعه زنان کشور به آموزش عالی؛
- وجود زمینه مساعد فرهنگی برای افزایش حمایت‌های مردمی از توسعه آموزش عالی؛
- امکان سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی در توسعه آموزش عالی؛
- امکان بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و سایر فناوری‌های نو برای توسعه آموزش عالی؛
- وجود شیوه‌های متنوع برای دسترسی به آموزش عالی؛
- عرضه گسترده و توسعه دانش در کشور؛
- توزیع امکانات آموزش عالی در سراسر کشور؛
- وجود فرصت و قابلیت ارائه و صدور خدمات آموزش عالی به متقاضیان خارج از کشور؛
- روند رو به رشد حضور دانشگاهیان در مجامع علمی و بین‌المللی؛
- امکان ارائه آموزش مداوم برای دانش‌افزایی جامعه علمی کشور (دوره‌های مکمل و کوتاه‌مدت)؛
- شکل‌گیری و فعالیت قطب‌های علمی در رشته‌های مختلف؛
- دیدگاه حمایتی سازمان‌های جهانی مانند یونسکو از توسعه آموزش عالی (سایت irandoc)؛

الف) وضعیت شاخص‌های کلیدی توسعه آموزش عالی در حوزه آموزشی با توجه به سند ملی توسعه آموزش عالی در برنامه چهارم توسعه

ردیف	عنوان شاخص	پایان برنامه سوم (سال 1383)	پایان برنامه چهارم (سال 1388)	وضع موجود (سال 1386)	درصد تحقق شاخص (1386)
1	پوشش آموزش عالی	20%	30%	27%	60
2	تعداد دانشجو در صدهزار نفر	3300	5000	4800	88
3	سهم دانشجویان کاردانی به کل دانشجویان	32%	37/5%	35/5%	64
4	نسبت هیئت علمی به دانشجو - پروانه - (در وزارت علوم)	1 به 19	1 به 17	1 به 17/5	75
5	نسبت هیئت علمی به دانشجو (دانشگاه پیام نور)	1 به 620	1 به 250	1 به 300	80

(منبع: سایت msrt)

جدول فوق وضعیت شاخص‌های کلیدی توسعه آموزش عالی در حوزه آموزشی با توجه به سند ملی توسعه آموزش عالی در برنامه چهارم توسعه را نشان می‌دهد. اما بر اساس عملکرد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال‌های اخیر از لحاظ پذیرش دانشجو و جذب هیأت علمی تحقق شاخص‌ها نسبت به پیش‌بینی برنامه، بیشتر است.

ب) وضعیت شاخص‌های عملکردی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در حوزه آموزشی (1383-1386)

ردیف	عنوان شاخص	پایان برنامه سوم (سال 1383)	وضع موجود (سال 1386)	درصد رشد
1	سهم دانشگاه آزاد اسلامی در آموزش عالی	45%	30%	-30
2	تعداد نظارت و ارزیابی موسسات آموزش عالی	21	131	500
3	تعداد کل اعضای هیئت علمی (وزارت علوم)	13000	18500	40
4	تعداد اعضای هیئت علمی استادیار و بالاتر به کل اعضای هیئت علمی (وزارت علوم)	7500	13000	70

ردیف	عنوان شاخص	پایان برنامه سوم (سال) (1383)	وضع موجود (سال) (1386)	درصد رشد
5	وضعیت هرم هیئت علمی (وزارت علوم)	60%	70%	17
6	جذب عضو هیئت علمی با قانون نحوه تامین هیئت علمی (طرح سربازی)	162	250	55
7	تخصیص سهمیه بورس دانشجویان دکتری به منظور تامین هیات علمی	600	1500	150
8	نسبت دانشجویان تحصیلات تکمیلی به کل دانشجویان (وزارت علوم)	14%	18%	29
9	درصد پذیرش داوطلبین آزمون سراسری (شانس قبولی)	17%	37%	125
10	درصد پذیرش داوطلبین تحصیل در دانشگاه پیام نور (شانس قبولی)	10%	23%	130
11	تعداد رشته محل های دایر در دوره های تحصیلات تکمیلی (وزارت علوم)	4300	5800	35
12	تعداد رشته محل ها در آزمون سراسری	10000	20000	100
13	نسبت برنامه های درسی مصوب جدید در دوره های تحصیلات تکمیلی به کل برنامه های مصوب جدید	50%	80%	60
14	تعداد دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی دولتی دارای مجوز از شورای گسترش (وزارت علوم)	50	75	50
15	تعداد مؤسسات آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی (118 موسسه دایر هستند)	70	170	143

(منبع: سایت msrt)

در جدول فوق وضعیت شاخص های عملکردی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در حوزه آموزشی را نشان می دهد. همان گونه که اشاره شد هدف برنامه چهارم توسعه در پایان سال 86 برابر با 70 درصد بوده است ولی به دلیل سیاست گذاری و برنامه ریزی انجام شده در شش ماهه اول سال 1386 اهداف حوزه آموزشی از لحاظ شاخص های عملکردی تحقق پیدا کرده است.

چالش های پیش روی توسعه آموزش عالی

- q پاسخگویی به تقاضای اجتماعی فزاینده برای ورود به دوره های آموزش عالی
- q لزوم تغییر نگرش مسئولان به آموزش عالی از یک بخش خدماتی به یک بخش زیربنایی و سرمایه ای
- q لزوم بازتعریف نقش و کارکرد آموزش عالی در عصر اطلاعات

- q تأثیرپذیری دانشگاه از بحران‌های جامعه و ضعف نقش تأثیرگذاری دانشگاه بر جامعه
- q ضرورت اصلاح فرایند پذیرش دانشجو در نظام آموزش عالی کشور
- q لزوم حفظ و ارتقای کیفیت در عین افزایش کمیت در آموزش عالی
- q ضرورت تربیت نیروی انسانی دانش‌مدار و مهارت‌یافته منطبق با نیازهای فناوری‌های جدید و نهضت نرم‌افزاری
- q کم‌توجهی به یافته‌های تحقیقات به ویژه تحقیقات علوم انسانی
- q کافی نبودن تعامل دانشگاه‌ها با سایر نهادهای اجتماعی
- q کمبود فرصت‌های شغلی مناسب برای جذب دانش‌آموختگان دانشگاهی
- q خروج هدایت نشده جوانان ایرانی از کشور برای تحصیل و بروز گسیختگی فرهنگی
- q مقابله با جذب برنامه‌ریزی شده استعدادهای کشور در کشورهای حوزه خلیج فارس
- q توجه به پدیده جهانی شدن و عوارض ناشی از آن در عرصه فرهنگی (سایت irandoc)

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که اشاره شد، امروزه اکثر کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه برای رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود مبادرت به تدوین برنامه‌های میان مدت و بلندمدت توسعه می‌نمایند. برنامه‌ریزی در ایران بعد از جنگ جهانی دوم آغاز شد و لایحه اولین برنامه عمرانی که مقدمات آن از سال 1325 آغاز شده بود، در سال 1327 تقدیم مجلس شورای ملی شد. در دوره قبل از انقلاب اسلامی پنج برنامه توسعه به مرحله اجرا درآمد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شاهد تدوین چهار برنامه توسعه و تدوین سند چشم‌انداز بیست ساله و سیاست‌های کلی نظام بوده‌ایم. تنظیم 6 برنامه و اجرای 5 برنامه در سالهای قبل از انقلاب (1227 - 1356) و تنظیم 4 برنامه بعد از انقلاب مسلماً گنجینه با ارزشی از تجربیات تلخ و شیرین درخصوص برنامه‌ریزی و اجرای برنامه را در اختیار قرار می‌دهد که می‌تواند به مثابه چراغی برای روشن ساختن راه آینده حرکت به کار گرفته شود. با مرور مختصری بر برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب اسلامی و برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی در می‌یابیم که برنامه‌های توسعه و عمرانی از لحاظ مبانی تئوریک، تحت تأثیر ادبیات اقتصادی و

رویکردهای مجامع بین‌المللی بوده‌اند. خلاصه اینکه برای تعیین سیاست‌های بخش آموزش محورهای زیر پیشنهاد می‌شود:

1. در تعیین سیاست‌ها بخش آموزش باید محورهای 1. عامل انسانی 2. همکاری و هماهنگی در تعیین سیاست‌ها و راهبردهای علوم، تحقیقات و فناوری 3. پرهیز از هدایت و کنترل شدید 4. توجه به خدمات نرم 5. ساماندهی مدیریت و فرایند تعیین سیاست‌ها و راهبردها 6. سیاست‌گذاری و تعیین راهبردهای بخش آموزش از طریق فرایندی علمی، مشارکتی پویا و 7- ساختار نیروی انسانی و منابع مورد توجه قرار گیرد.

2. سیاست‌ها و اهداف مدون در برنامه‌های توسعه می‌توانند دارای رهنمودهایی به شرح زیر باشند:

- سیاست‌ها و اهداف اعمال مدیریت کارا و مؤثر را امکان‌پذیر و اداره پیشرفت‌های فرهنگی و اجتماعی را آسان‌تر می‌کنند.

- سیاست‌ها و اهداف نحوه تعیین ساختار دولت و سیستم‌های آن را برای پیشرفت برنامه توسعه روشن می‌کنند.

- سیاست‌ها و اهداف تعهد و التزام مدیران اجرایی را در سطوح مختلف فراهم می‌کنند. زیرا با داشتن برنامه عمل، هر دستگاه اجرایی به جای کارهای روزمره و پراکنده هدف مشخصی را پیش روی دارد.

- سیاست‌ها و اهداف کنترل و ارزیابی مؤثر روند برنامه را فراهم می‌سازند.

3. در تهیه و تدوین سیاست‌های آموزشی برنامه توسعه بخش باید:

- الزامات فنی، عمومی، مدیریتی، فرهنگی و ساختاری مورد توجه قرار گیرد.
- چشم‌اندازهای آینده ملی، منطقه‌ای و جهانی آموزش عالی در نظر گرفته شود.
- چالش‌های مهم آموزش عالی در ایران 1400 مورد توجه قرار گیرد.
- تعامل بین بخش‌ها و اجزا بخش مورد تأکید قرار گیرد.
- سیاست‌ها در راستای تحقق آرمان‌ها، رسالت و اهداف نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی تدوین شود.

- پیش‌نیازهای اجرایی سیاست‌ها دقیقاً مشخص شود.

- سیاست‌ها براساس اصل واقع‌بینی، آینده‌اندیشی و معطوف به هدف بخش و فرابخش باشد.

- ایجاد تعهد یا عزم ملی، تدوین برنامه عملیاتی، تدوین نظام مالی، تدوین گردش کار (ترسیم افق زمانی)، تدارک نیروی انسانی متخصص برای اجرای سیاست‌های برنامه امری ضروری است.

منابع

- اندیشمند، ویدا؛ کریمی، فریبا و موسوی، فرانک (1384). سیاستگذاری در آموزش و پرورش (تا هزاره سوم). شیراز، انتشارات فرامتن، چاپ اول.
- سازمان برنامه و بودجه (1347). برنامه عمرانی چهارم کشور: 1351-1347، تهران.
- سازمان برنامه و بودجه (بی تا) گزارش عملکرد برنامه عمرانی سوم: 1346-1342، تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (سابق)، پیوست برنامه اول بخش آموزش عالی، 1372 - 1368.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (سابق)، پیوست برنامه چهارم بخش آموزش عالی، 1388 - 1384.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (سابق)، پیوست برنامه دوم بخش آموزش عالی، 1378 - 1374.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (سابق)، پیوست برنامه سوم بخش آموزش عالی، 1383 - 1379.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (سابق)، راهکارهای اجرایی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران 1383 - 1379.
- فیوضات، یحیی (1380). برنامه ریزی آموزشی. تهران: نشر ویرایش.
- مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی (1350). پیشنهاد برنامه پنجم آموزش عالی، تهران.
- مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی (1354). برنامه جامع دراز مدت آموزشی کشور، کتاب نخست، تهران: مرکز برنامه ریزی آموزشی.
- مجلس شورای اسلامی ایران، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، 1388 - 1385.
- مجلس شورای اسلامی ایران، قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، 1372 - 1368.
- مجلس شورای اسلامی ایران، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، 1378 - 1374.
- مجلس شورای اسلامی ایران، قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، 1383 - 1379.

محسن‌پور، بهرام (1381). مبانی برنامه‌ریزی آموزشی. تهران: سازمان سمت.
نفیسی، عبدالحسین (1369). بازنگری تجربه برنامه‌ریزی آموزش و پرورش در ایران.
فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره 22-23.
نفیسی، عبدالحسین (1371). بازنگری تجربه برنامه‌ریزی آموزش و پرورش در ایران
بعد از انقلاب اسلامی. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره 19.

[http://mellat.majilis.ir/archive/1383//FOURTHPROGRAM/RESEAR
CHCENTER/6912.htm](http://mellat.majilis.ir/archive/1383//FOURTHPROGRAM/RESEAR
CHCENTER/6912.htm)
www.irphe.ir/Fa/Departments/projects/Heydari/Barresi.doc
[http://www.aftab.ir/articles/science_education/education/c3c1193473
131_economic_development_p1.php](http://www.aftab.ir/articles/science_education/education/c3c1193473
131_economic_development_p1.php)
[http://www.msrt.ir/sites/ravabetomomi/Doclib8/GOZARESH.%20JA
DID.doc](http://www.msrt.ir/sites/ravabetomomi/Doclib8/GOZARESH.%20JA
DID.doc)
<http://ncsd.irandoc.org/files/Education.doc>
[www.msrt.ir/sites/ravabetomomi/DocLib8/GOZARESH.%20JADID.
doc](http://www.msrt.ir/sites/ravabetomomi/DocLib8/GOZARESH.%20JADID.
doc)